



RESEARCH ARTICLE

A Contextual Framework for Participatory Policy-Making and Fluid Social Capital

Hossein Esmaeili Sangari^{1*}, Raheleh Parvin²

1. Assistant Professor of Architecture, Research Institute of Buildings, Cultural Heritage Research Institute, Tehran, Iran

*Corresponding Author's Email: h.esmaeeli@richt.ir

2. PhD Candidate of Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

Email: raheleh.parvin2015@gmail.com

 <https://doi.org/10.22059/jppolicy.2025.105196>

Received: 4 August 2025
Accepted: 2 October 2025

ABSTRACT

Considering the importance of social participation and the complexities of community management in today's fluid and diverse contexts, this study aims to explain the dimensions and mechanisms of fluid social capital and its interaction with participatory policymaking. It seeks to answer the main question: "How can a contextual and conceptual framework of participatory policy-making and fluid social capital facilitate community management?" To this end, a mixed-methods research design (qualitative-quantitative) was employed. In the qualitative phase, data were collected through semi-structured interviews and analyzed using thematic analysis with MAXQDA software. In the quantitative phase, data gathered from 250 participants through standardized questionnaires were analyzed using tests of normality, Pearson correlation, and analysis of variance (ANOVA). The findings indicate that fluid social capital—comprising components such as dynamic social interactions, institutional trust, cultural cohesion, collective memory, and social resilience—operates through a multi-layered and flexible structure, providing the foundation for strengthening social networks and enhancing participatory policy-making.

Keywords: Participatory Policy-Making; Fluid Social Capital; Contextual Framework; Community Management; Social Network Dynamics.

Citation: Esmaeili Sangari, Hossein; Parvin, Raheleh (2025). A Contextual Framework for Participatory Policy-Making and Fluid Social Capital. *Iranian Journal of Public Policy*, 11 (4), 9-25.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jppolicy.2025.105196>

Published by University of Tehran



This Work Is licensed under a [Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International \(CC BY-NC 4.0\)](https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/)



مقاله پژوهشی

چارچوب زمینه‌مند برای سیاست‌گذاری مشارکتی و سرمایه اجتماعی سیال

حسین اسمعیلی سنگری^{۱*}، راحله پروین^۲

۱. استادیار معماری، پژوهشکده ابنیه و بافت، پژوهشگاه میراث فرهنگی کشور، تهران، ایران

* رایانامه نویسنده مسئول: h.esmaeli@richt.ir

۲. دانشجوی معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

رایانامه: raheleh.parvin2015@gmail.com

doi <https://doi.org/10.22059/jppolicy.2025.105196>

تاریخ دریافت: ۱۳ مرداد ۱۴۰۴
تاریخ پذیرش: ۱۰ مهر ۱۴۰۴

چکیده

با توجه به اهمیت مشارکت اجتماعی و پیچیدگی‌های مدیریت اجتماع در بسترهای سیال و متکثر معاصر، پژوهش حاضر با هدف تبیین ابعاد و سازوکارهای سرمایه اجتماعی سیال و تعامل آن با سیاست‌گذاری مشارکتی، در پاسخ به پرسش اصلی «چارچوب مفهومی و زمینه‌مند سیاست‌گذاری مشارکتی و سرمایه اجتماعی سیال چگونه می‌تواند مدیریت اجتماع را تسهیل کند؟» از روش تحقیق آمیخته (کیفی-کمی) بهره گرفته شد؛ به گونه‌ای که در بخش کیفی، داده‌ها با استفاده از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته و تحلیل مضمون از طریق نرم‌افزار MAXQDA تحلیل شدند و در بخش کمی، داده‌های گردآوری شده از ۲۵۰ نفر با پرسش‌نامه‌های استاندارد، از طریق آزمون نرمال بودن، همبستگی پیرسون و تحلیل واریانس مورد تحلیل قرار گرفت. یافته‌ها نشان داد که سرمایه اجتماعی سیال، متشکل از مؤلفه‌هایی نظیر تعاملات اجتماعی پویا، اعتماد نهادی، انسجام فرهنگی، حافظه جمعی و تاب‌آوری اجتماعی، با ساختاری چندلایه و انعطاف‌پذیر، زمینه‌ساز تقویت شبکه‌های اجتماعی و ارتقای سیاست‌گذاری مشارکتی می‌باشد.

واژگان کلیدی: سیاست‌گذاری مشارکتی، سرمایه اجتماعی سیال، چارچوب زمینه‌مند، مدیریت اجتماع، پویایی شبکه‌های اجتماع.

استناد: اسمعیلی سنگری، حسین؛ پروین، راحله (۱۴۰۴). چارچوب زمینه‌مند برای سیاست‌گذاری مشارکتی و سرمایه اجتماعی سیال. فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی، ۱۱ (۴)، ۹-۲۵.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jppolicy.2025.105196>



ناشر: دانشگاه تهران

مقدمه

در دهه‌های اخیر، سیاستگذاری مشارکتی و سرمایه اجتماعی به عنوان دو مؤلفه کلیدی برای بهبود کیفیت حکمرانی و دستیابی به توسعه پایدار اجتماعی مورد توجه پژوهشگران و سیاستگذاران قرار گرفته‌اند. این مفاهیم با فراهم‌سازی زمینه‌های لازم برای ایجاد پیوندهای اجتماعی، شکل‌گیری شبکه‌های ارتباطی و تقویت انسجام جمعی، در کاهش شکاف‌های اجتماعی و افزایش همبستگی در سطوح مختلف جامعه نقش مؤثری ایفا می‌کنند (Evans et al., 2025). با این حال، بیشتر پژوهش‌های موجود در حوزه علوم سیاسی و اجتماعی، سرمایه اجتماعی را همچنان به عنوان ساختاری ایستا تعریف کرده‌اند که مبتنی بر پیوندها و اعتماد میان کنشگران است (Grix, 2001: 192). این رویکرد سنتی کمتر به پویایی‌های اجتماعی، تحولات هویتی و تغییرات سریع در ساختارهای جامعه معاصر توجه داشته است (Cohen, 1985: 664). از این رو، بازتعریف سرمایه اجتماعی از منظر سیال، چندلایه و تغییرپذیر ضروری است؛ مفهومی که در این پژوهش با عنوان سرمایه اجتماعی سیال معرفی می‌گردد. سرمایه اجتماعی سیال با تأکید بر تغییرپذیری، سازگاری مداوم و پیوندهای چندسطحی، رویکردی نوین برای تحلیل پیچیدگی‌های اجتماعی ارائه می‌دهد. این رویکرد با برجسته‌ساختن اهمیت تعاملات متنوع، شبکه‌های ارتباطی پویا و سیاست‌های مشارکتی چندسطحی، امکان شناخت بهتر ظرفیت‌های اجتماعی و بازتعریف مرزهای تعاملات را فراهم می‌سازد. مشارکت اجتماعی که در رویکردهای کلاسیک به عنوان ابزاری برای تقویت سرمایه اجتماعی مطرح می‌شود (Ng et al., 2025)، در چارچوب سرمایه اجتماعی سیال به بستری از حیث بازاندیشی تعاملات چندسطحی، مدیریت تفاوت‌ها و مواجهه با تغییرات اجتماعی مبدل می‌شود. در این راستا، پژوهش حاضر در پی پاسخ به پرسش اصلی «چارچوب مفهومی و زمینه‌مند سیاستگذاری مشارکتی و سرمایه اجتماعی سیال چگونه می‌تواند مدیریت اجتماع را تسهیل کند؟»، بر این فرض استوار است که کاربست رویکرد سیال در سرمایه اجتماعی می‌تواند تعاملات اجتماعی را در سطوح مختلف تحکیم نموده و مرزهای ارتباطی جدیدی ایجاد نماید. همچنین طراحی چارچوب زمینه‌مند مبتنی بر سرمایه اجتماعی سیال انعطاف‌پذیری و کارآمدی سیاست‌های مشارکتی را در مدیریت اجتماع ارتقاء می‌بخشد. افزون بر این، استفاده از رویکردهای کیفی و کمی در تحلیل داده‌ها، امکان شناخت جامع‌تری از روابط میان سرمایه اجتماعی سیال و سیاستگذاری مشارکتی فراهم می‌کند. با وجود اهمیت این رویکرد، بسیاری از پژوهش‌های معاصر همچنان بر مدل‌های ایستا و سنتی تمرکز دارند و کمتر به طراحی چارچوب‌های زمینه‌مند برای سیاستگذاری مشارکتی و تحلیل سرمایه اجتماعی سیال پرداخته‌اند. بنابراین، این پژوهش با هدف رفع این خلأ نظری و عملی، به طراحی چارچوب زمینه‌مند برای سیاستگذاری مشارکتی و سرمایه اجتماعی سیال می‌پردازد. نتایج این پژوهش ضمن ارائه چارچوبی مفهومی در جهت سیاستگذاری مشارکتی، به درک عمیق‌تری از پویایی‌های سرمایه اجتماعی سیال و نقش آن در بهبود حکمرانی اجتماعی کمک می‌کند. چنانکه مبنایی برای تدوین سیاست‌های انعطاف‌پذیر، مشارکتی و پایدار در حوزه‌های مختلف اجتماعی باشد.

پیشینه پژوهش

پیشینه نظری

سیاستگذاری مشارکتی به عنوان رویکردی نوین در حکمرانی، با تأکید بر مشارکت فعال ذی‌نفعان و شبکه‌های اجتماعی، بازآرایی فرایندهای تصمیم‌گیری و افزایش مشروعیت سیاست‌ها را تسهیل می‌نماید. از سوی دیگر، مفهوم سرمایه اجتماعی سیال، با تمرکز بر پویایی‌ها، پیوندهای چندسطحی و سازگاری مستمر، چشم‌اندازهای بدیعی را در جهت ادراک و تحلیل پیچیدگی‌های اجتماعی پیش‌رو می‌گذارد. بدینسان پژوهش حاضر، بر طراحی چارچوبی زمینه‌مند برای سیاستگذاری مشارکتی و سرمایه اجتماعی سیال متمرکز می‌باشد.

سیاستگذاری مشارکتی

سیاستگذاری مشارکتی به عنوان رویکردی نوین در حکمرانی، بر اهمیت حضور و تأثیرگذاری فعال شهروندان و ذی‌نفعان در فرایند تصمیم‌گیری تأکید دارد. این رویکرد، برخلاف سیاستگذاری سنتی که به صورت از بالا به پایین عمل می‌کند، مشارکت فعال افراد و گروه‌ها را در تدوین، اجرا و ارزیابی سیاست‌ها محور قرار می‌دهد (Viana, 2025). هدف اصلی سیاستگذاری مشارکتی، کاهش گسست میان دولت و جامعه مدنی و اتخاذ تصمیماتی است که بر پایه دانش محلی و تجربه‌های زیسته ذی‌نفعان شکل گرفته‌اند (Whitley & Svensson, 2025:27). با بهره‌گیری از گفتمان اجتماعی و همکاری‌های شبکه‌ای، این رویکرد مشروعیت و اثربخشی تصمیمات را ارتقا می‌دهد (Sullivan et al., 2025). ادبیات مرتبط نشان می‌دهد که سیاستگذاری مشارکتی علاوه بر افزایش کارآمدی، موجبات تحکیم وجاهت و مشروعیت تصمیمات را نیز فراهم می‌آورد. بطوریکه در تقویت حس تعلق اجتماعی و مسئولیت‌پذیری جمعی نقش مهمی ایفا می‌نماید (Quick & Feldman, 2011). از این منظر، مشارکت فعال در فرایندهای تصمیم‌گیری، درک کنشگران را از تأثیرگذاری افزایش داده و بسترساز شکل‌گیری و ارتقای سرمایه اجتماعی می‌گردد (Ostrom, 1990). با این حال، نقدهای نظری بر این نکته تأکید دارند که مشارکت فعال در راستای حصول اثربخشی پایدار، مستلزم پاسخگویی در چارچوب ساختارهای نهادی، انعطاف‌پذیر و مبتنی بر شفافیت می‌باشد (Johnson, 2025). سیاستگذاری مشارکتی به طور فزاینده‌ای در حوزه‌های متنوعی نظیر مدیریت فضاها، عمومی، منابع طبیعی و سیاست‌های شهری به کار گرفته می‌شود (Healey, 2020). در این چارچوب، تعامل میان کنشگران متعدد علاوه بر تدوین سیاست‌های جامع و چندبعدی، ظرفیت‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه را نیز توسعه می‌دهد (Forester, 1999). افزون بر این، تحولات معاصر در نظریه و عمل برنامه‌ریزی مشارکتی، با گسترش دامنه الهام‌بخشی‌ها و رویکردهای نوین، در تعمیق ادراک از فرایندهای مشارکتی و ظرفیت‌سازی اجتماعی نقش برجسته‌ای ایفا می‌نماید (Forester et al., 2025). سرمایه اجتماعی در این چارچوب به عنوان بستر کلیدی تحکیم‌بخش سیاستگذاری مشارکتی مطرح است؛ به گونه‌ای که بر پایه روابط افقی، اعتماد متقابل و شبکه‌های تعاملی، زمینه‌ای فراهم می‌آورد تا مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها از قالب‌های رسمی و سلسله‌مراتبی خارج شده و به سمت شبکه‌ای از تعاملات باز، متغیر و چندلایه حرکت کند (Putnam, 2000). این پویایی شبکه‌ای، به افراد و گروه‌ها امکان می‌دهد در فرایندهای سیاستگذاری به طور فعال در تولید و اعمال سیاست‌ها مشارکت داشته باشند (Karkin & Göçöğlu, 2025:58).

سرمایه اجتماعی سیال

سرمایه اجتماعی به عنوان مفهومی کلیدی در علوم اجتماعی، توسط نظریه‌پردازانی چون بورديو، کلمن و پوتنام مطرح شده و ابعادی مانند اعتماد، شبکه‌های اجتماعی و هنجارهای تعاملی را پوشش می‌دهد. با این حال، رویکردهای کلاسیک عمدتاً بر جنبه‌های مثبت این مفهوم تأکید کرده‌اند و آن را ساختاری ایستا و همگن تلقی کرده‌اند (Chen et al., 2025:38). این دیدگاه‌ها اغلب به شاخص‌های کمی و ساده بسنده کرده‌اند که قادر به بازتاب پیچیدگی و چندلایه گی روابط اجتماعی نیستند (Claridge, 2018). همچنین، رویکردهای کلاسیک معمولاً ارتباط سرمایه اجتماعی با زمینه‌های تاریخی و فرهنگی را نادیده می‌گیرند و از تبیین تعاملات سیال و بینافرهنگی عاجزند (Portes, 2024:57). این رویکردهای تقلیل‌گرایانه در تحلیل سیاست‌های اجتماعی، به‌ویژه در جوامع چندفرهنگی و گذار، ناکارآمدی خود را نشان داده‌اند (Woolcock & Narayan, 2000:226). علاوه بر این، سرمایه اجتماعی کلاسیک با اغتشاش مفهومی و استعاره‌های مبهم روبه‌روست که موجب تعریف‌های متکثر و گاه متناقض شده است. این امر، به‌ویژه در تحلیل‌های اقتصادی و مدیریتی، سرمایه اجتماعی را صرفاً به مثابه «ذخیره‌ای مثبت» معرفی کرده و از ابعاد منفی همچون تبعیض و بازتولید قدرت نابرابر غفلت کرده است (Ghorbani et al., 2025:186). چالش‌های واژگانی و معنایی نیز این مفهوم را از زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی واقعی جدا کرده و آن را تقلیل‌گرایانه و مکانیکی کرده‌اند (Wang, 2025:128). نقد این رویکردها، محققان بر لزوم چرخش مفهومی به سوی نظریه‌ای سیال و پیچیده تأکید کرده‌اند که روابط اجتماعی را به صورت چندلایه، پویا و در تعامل با زمینه‌های اجتماعی تحلیل کند (Tavares et al., 2021:142). این چرخش علاوه بر بازاندیشی

مفهومی سرمایه اجتماعی، بازتعریف سیاستگذاری مشارکتی را ایجاب می‌نماید (Ahmadi & Aftabi, 2022:71). در واکنش به این محدودیت‌ها، این پژوهش نظریه سرمایه اجتماعی سیال (مفهوم ابداعی نویسندگان) را ارائه می‌دهد که سرمایه اجتماعی را به‌مثابه جریانی پویا، چندلایه و زمینه‌مند بازتعریف می‌نماید. این رویکرد بر تعاملات پیچیده و غیرخطی روابط اجتماعی در بسترهای واقعی، چندفرهنگی و متغیر تأکید دارد. در این چارچوب، شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان جریان‌های تعاملی و تجربه‌محور بازنمایی می‌شوند که تحت تأثیر محیط و زمینه‌های مختلف تغییر می‌کنند. شاخص‌هایی مانند اعتماد متقابل، مشارکت مدنی، انعطاف‌پذیری، مقاومت اجتماعی و مدیریت تعارض، مولفه‌های کلیدی این رویکرد می‌باشند. بدینسان، نظریه سرمایه اجتماعی سیال، با تمرکز بر پیچیدگی، تنوع و پویایی روابط انسانی، مدلی تحلیلی ارائه می‌دهد که به‌ویژه در سیاستگذاری‌های اجتماعی و مشارکتی مؤثر می‌باشد. این مدل، تعاملات را از سطح فردی تا جمعی و نهادی بررسی کرده و بازتعریف مرزهای تعاملات اجتماعی و فرهنگی را تسهیل می‌نماید.

پیشینه تجربی

سیاستگذاری مشارکتی: از نظریه تا عمل

در سال‌های اخیر، سیاستگذاری مشارکتی به‌عنوان رویکردی نوین در حکمرانی، مورد توجه قرار گرفته است. مطالعه‌ای در سوئیس با بهره‌گیری از داده‌های ۱۳۰۴ شهروند شهر آراو، نشان داد که استفاده از شاخص‌های داده‌محور در فرآیند بودجه‌ریزی مشارکتی می‌تواند مشروعیت تصمیم‌گیری‌ها را افزایش دهد و کیفیت زندگی شهروندان را بهبود بخشد (Wellings et al., 2023:27). همانگونه که، پژوهشی با رویکرد ترکیبی به بررسی اجرای بودجه‌ریزی مشارکتی دیجیتال در ۳۲ شورای محلی پرداخت. نتایج نشان داد که استفاده از پلتفرم‌های دیجیتال مانند Consul، مشارکت شهروندان را افزایش داده و فرآیند تصمیم‌گیری را شفاف‌تر کرده است (Davies et al., 2021:318). در ایران نیز، مطالعات متعددی به بررسی ابعاد مختلف سیاستگذاری مشارکتی پرداخته‌اند. در مقاله‌ای با عنوان «مدل سیاستگذاری مشارکتی چندسطحی» به بررسی چارچوب‌های نهادی مشارکت سیاستی در ایران پرداخته شده است (Eshtarian & Ghaemi-Asl, 2020: 424) که تأکید بر تسهیل مشارکت مستلزم ایجاد ترتیبات نهادی در سه سطح ماهوی، رویه‌ای و عملیاتی می‌باشد. این چارچوب‌ها می‌توانند با بازتعریف رابطه دولت و جامعه، امکان مشارکت مؤثرتر در سیاستگذاری‌ها را فراهم کنند. همچنین، موسوی در مطالعه‌ای با عنوان «مشارکت اجتماعی یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی» به بررسی مشارکت اجتماعی در شهر تهران پرداخت (Mousavi-Mirtaher, 2006:94). نتایج پژوهش بیانگر وجود زمینه‌های مساعد در سطح خرد، علی‌رغم عوامل کلان نظیر تمرکزگرایی و بی‌اعتمادی به عملکرد دولت، مانع از شکل‌گیری مشارکت اجتماعی مؤثر می‌شوند که این مسئله به کاهش کارآمدی سیاستگذاری‌های مشارکتی منجر می‌گردد. بدینسان در جهت تحقق سیاستگذاری مشارکتی مؤثر در ایران، نیاز به بازنگری در ساختارهای نهادی، افزایش شفافیت و اعتمادسازی بین دولت و شهروندان وجود دارد.

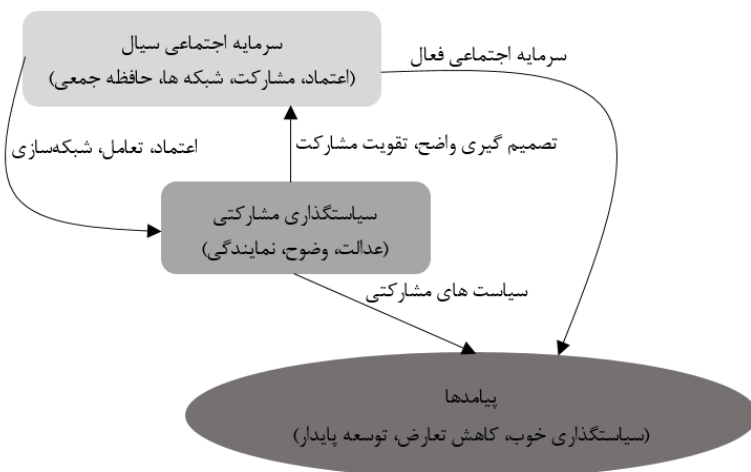
سرمایه اجتماعی: ابعاد و تأثیرات

سرمایه اجتماعی، به‌عنوان شبکه‌ای از روابط، اعتماد و هنجارهای مشترک، نقش اثربخشی در توسعه جوامع ایفا می‌نماید. در ایران، پژوهش‌های متعددی به بررسی این مفهوم پرداخته‌اند: مطالعه‌ای توسط یزدانی، جادریان و فرجود نشان داد که سرمایه اجتماعی از طریق شبکه‌های مشارکتی، مدیریت ریسک‌ها، ایجاد اعتماد متقابل در سطح محلی و توسعه فناوری‌های سازگار با شرایط اقتصادی-اجتماعی، نقش مهمی در تحقق توسعه پایدار ایفا می‌کند (Yazdani, Jaderan, & Farjoud, 2019). چنانکه در مناطق روستایی، پژوهشی بیانگر توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی با تأکید بر افزایش سرمایه اجتماعی در ارتقای مشارکت اقتصادی و بهبود وضعیت معیشتی زنان می‌پردازد (Hajinejad & Norouzi Nejad, 2025:146). علاوه بر این، در بررسی

نقش سرمایه اجتماعی در بازآفرینی محلات شهری، مشارکت اجتماعی و اعتماد اجتماعی به عنوان مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، نقش کلیدی ایفا می نمایند (Meshkini & Bahrami, 2025:389).

مدل مفهومی: چارچوب زمینه‌مند برای سیاستگذاری مشارکتی و سرمایه اجتماعی سیال

مدل مفهومی این پژوهش بر تعامل دوسویه و پویای میان سرمایه اجتماعی سیال و سیاستگذاری مشارکتی مبتنی است. برخلاف رویکردهای کلاسیک که سرمایه اجتماعی را ساختاری ایستا و همگن می‌دانند (Claridge, 2018)، سرمایه اجتماعی سیال بر ویژگی‌های پویایی، چندلایه گی و وابستگی به زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و نهادی تأکید می‌کند. در این مدل، سرمایه اجتماعی سیال به عنوان جریان‌های تعاملی، تجربه‌محور و متغیر تعریف می‌شود که در شبکه‌های اجتماعی شکل می‌گیرند و تحت تأثیر تغییرات محیطی، فرهنگی، نهادی و فناوری‌های نوین به طور مستمر بازتولید می‌شوند (Tavares et al., 2021). تعریف عملیاتی سرمایه اجتماعی سیال در این پژوهش بر اساس شاخص‌های کلیدی شامل: اعتماد اجتماعی و نهادی، مشارکت مدنی فعال، شبکه‌های ارتباطی انعطاف‌پذیر و متنوع، حافظه جمعی پویا، تاب‌آوری، مدیریت تعارض و مقاومت اجتماعی است. این شاخص‌ها در قالب پرسش‌نامه‌های کمی و مصاحبه‌های کیفی قابل سنجش و تحلیل می‌باشند. سیاستگذاری مشارکتی در این مدل به عنوان فرآیندی چندسطحی، مردم‌محور و تعاملی تعریف شده است که با سازوکارهایی از جمله تصمیم‌گیری جمعی شفاف، تضمین عدالت اجتماعی و فرهنگی، نمایندگی واقعی گروه‌های محلی و تلفیق دیدگاه‌های متنوع ذی‌نفعان عملیاتی می‌شود. این سیاست‌ها با ایجاد فرصت‌های برابر، تقویت اعتماد نهادی و بهره‌گیری از فناوری‌های ارتباطی نوین (مانند پلتفرم‌های دیجیتال و رسانه‌های اجتماعی)، زمینه لازم برای فعال‌سازی ظرفیت‌های سرمایه اجتماعی سیال را فراهم می‌کنند. همانگونه که، نمونه‌های میدانی نظیر بازار تاریخی تبریز نشان داده‌اند که سیاستگذاری مشارکتی مبتنی بر اعتماد اجتماعی و شبکه‌های محلی، حفاظت مؤثرتر از میراث ناملموس و کاهش تعارضات را ممکن ساخته است (Ahmadi & Aftabi, 2022). همچنین، تجربیات مناطق زلزله‌زده کرمانشاه حاکی از آن است که حضور شبکه‌های اجتماعی محلی و مشارکت داوطلبانه به افزایش تاب‌آوری اجتماعی و انسجام منجر شده است (Kermkhani, 2021:165). این مدل بر سرمایه اجتماعی سیال و سیاستگذاری مشارکتی در تعامل دوسویه، چرخه‌ای مثبت و خودتقویت‌کننده تأکید می‌نماید. بدینسان، سرمایه اجتماعی سیال بستر لازم برای سیاستگذاری مشارکتی مؤثر را با امکان تعاملات منعطف، متنوع و چندسطحی فراهم می‌سازد. در مقابل، سیاستگذاری مشارکتی با تقویت عدالت اجتماعی، افزایش اعتماد نهادی، ایجاد فرآیندهای شفاف و نمایندگی واقعی، ظرفیت سرمایه اجتماعی سیال را ارتقاء داده و زمینه بازتولید تعاملات مثبت و تاب‌آور را فراهم می‌کند (شکل ۱).



شکل ۱. مدل چرخه بازخورد سرمایه اجتماعی سیال و سیاستگذاری مفهومی

با این حال، این مدل محدودیت‌هایی دارد؛ از جمله مقاومت برخی گروه‌های قدرت در برابر سیاست‌های مشارکتی، تفاوت‌های فرهنگی و نهادی و پیچیدگی‌های عملیاتی در طراحی و اجرای سیاست‌ها. همچنین، تغییرات سریع فرهنگی و فناوری‌های نوین ممکن است پیش‌بینی‌پذیری مدل را با چالش مواجه نمایند. در مجموع، این مدل چارچوبی تحلیلی و کاربردی برای طراحی سیاست‌های انعطاف‌پذیر، مشارکتی و پایدار فراهم می‌آورد و می‌تواند مبنای مطالعات آینده در حوزه‌های مدیریت بحران، سیاست‌های شهری و حفاظت از میراث فرهنگی قرار گیرد.

روش پژوهش

این پژوهش از رویکرد تحقیق آمیخته (کیفی-کمی) بهره می‌گیرد تا ابعاد پیچیده و چندوجهی تعامل میان سرمایه اجتماعی سیال و سیاستگذاری مشارکتی را به‌طور جامع مورد تحلیل قرار دهد. این رویکرد، با تلفیق داده‌های کیفی و کمی، امکان بررسی عمیق‌تر مفاهیم و تحلیل روابط علی-معلولی را فراهم می‌کند.

فاز کیفی تحقیق

به منظور شناسایی الگوها، مفاهیم و مقوله‌های معنادار محتوای مصاحبه‌ها، در فاز کیفی از تحلیل مضمون (Thematic Analysis) براون و کلارک (۲۰۰۶) بهره گرفته شد، به‌طوری‌که داده‌ها در فرآیند شش مرحله‌ای (آشنایی با داده‌ها، تولید کدهای اولیه، جست‌وجوی مضامین، بازبینی، تعریف و نام‌گذاری مضامین و تدوین گزارش نهایی) توسط نرم‌افزار MAXQDA تحلیل گردید و کدگذاری سلسله‌مراتبی همسو با استخراج روابط معنایی میان مقوله‌ها به‌صورت ساختاریافته صورت پذیرفت. جامعه آماری شامل ۱۸ نفر از نخبگان دانشگاهی، مدیران سازمان‌های رسمی و اعضای فعال سازمان‌های مردم‌نهاد بود که زنان و مردانی با حداقل پنج سال سابقه تخصصی در حوزه‌های مرتبط با سیاستگذاری مشارکتی، سرمایه اجتماعی یا برنامه‌ریزی شهری و دارای تجربه‌های آموزشی، پژوهشی، مدیریتی و تسهیل‌گری میدانی با نمونه‌گیری هدفمند صاحب‌نظرانه انتخاب شدند. چنان‌که ساختار نمونه‌گیری پژوهش بر اساس چارچوب ولکاک و ناریان (۲۰۰۰)، سرمایه اجتماعی را در سه سطح: پیوندی (Bonding)، برقراری ارتباط (Bridging) و اتصال عمودی به نهادهای قدرت (Linking) تحلیل می‌کند. در این چارچوب، نخبگان دانشگاهی نمود سطح بازاندیشی مفهومی، کارگزاران نهادهای رسمی در جایگاه تصمیم‌ساز و اعضای جامعه مدنی به‌عنوان کنشگران میدانی قرار گرفتند تا امکان تحلیلی چندلایه و ساختاری از سرمایه اجتماعی و تبیین سیاستگذاری مشارکتی در حوزه حفاظت از میراث فرهنگی ناملموس فراهم گردد.

فاز کمی تحقیق

یافته‌های کیفی با وجود آنکه مضامین ژرف را نمایان ساختند، لیکن جهت اعتبارسنجی چارچوب مفهومی استخراج‌شده و تعیین شدت و جهت روابط میان متغیرها، فاز کمی پژوهش بر پایه روش پیمایشی و با هدف سنجش و تعمیم روابط میان ابعاد سرمایه اجتماعی و مشارکت در سیاستگذاری فرهنگی-اجتماعی صورت پذیرفت. از این‌رو، جامعه آماری حدود ۲۵۰ نفر از فعالین حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی و نهادی در برنامه‌ها، پروژه‌ها یا نهادهای مشارکتی ایفای نقش می‌کردند و ترکیبی از اعضای سازمان‌های مردم‌نهاد، کارشناسان نهادهای رسمی و شهروندان مشارکت‌کننده در فرآیندهای محلی را دربرگرفت. نمونه‌گیری به‌صورت تصادفی طبقه‌ای و متناسب با گروه‌های نهادی و اجتماعی انجام شد تا بازنمایی جامع و متنوعی از ذی‌نفعان کلیدی حاصل شود. ابزار گردآوری داده‌ها بر مبنای پرسش‌نامه محقق‌ساخته (سؤالات بسته با مقیاس پنج‌درجه‌ای لیکرت) و در انطباق با چارچوب نظری سرمایه اجتماعی و سیاستگذاری مشارکتی تدوین شد، به‌گونه‌ای که ابعاد سرمایه اجتماعی، مشارکت جمعی و اعتماد نهادی را می‌سنجید. همچنین، آگاهی مدنی و تمایل به مشارکت به‌عنوان متغیرهای مکمل از حیث انسجام نظری ابزار سنجش لحاظ گردید. بدین‌سان، روایی و اعتبار ابزار با بازبینی صاحب‌نظران حوزه‌های مرتبط و ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۶ احراز گردید. توزیع

داده‌ها با آزمون کولموگروف-اسمیرنوف مورد ارزیابی قرار گرفت و نرمال بودن آن، امکان بهره‌گیری از آزمون‌های پارامتریک را فراهم ساخت. چنانکه جهت بررسی توزیع داده‌ها از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف بهره گرفته شد و با تأیید نرمال بودن داده‌ها، امکان بهره‌گیری از آزمون‌های پارامتریک تحقق یافت. تحلیل داده‌ها متناسب با اهداف تحقیق انجام شد؛ به گونه‌ای که وضعیت ابعاد سرمایه اجتماعی با آزمون t تک‌نمونه‌ای، روابط میان مؤلفه‌ها با ضریب همبستگی پیرسون و تفاوت‌های میان گروه‌های نهادی و اجتماعی با تحلیل واریانس یک‌راهه (ANOVA) بررسی گردید. بدین ترتیب، طرح‌واره‌ای داده‌محور برای ارزیابی تجربی مفاهیم کلیدی میسر شد.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های این پژوهش، مبتنی بر رویکرد تحقیق آمیخته (کیفی-کمی)، با هدف تحلیل تعامل دوسویه، پویا و پیچیده میان سرمایه اجتماعی سیال و سیاست‌گذاری مشارکتی ارائه می‌شوند. این رویکرد، امکان تحلیل جامع و چندوجهی پدیده‌های اجتماعی را از ابعاد ذهنی-تجربی و آماری-عینی فراهم می‌کند. در بخش کیفی، داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با نمونه هدفمند از ذی‌نفعان حوزه علوم اجتماعی شامل مدیران دولتی، کارشناسان سیاست‌گذاری، اعضای سازمان‌های مردم‌نهاد و اساتید دانشگاه جمع‌آوری شده‌اند. معیارهای انتخاب مشارکت‌کنندگان شامل تخصص، سابقه حرفه‌ای و تجربه مشارکت در سیاست‌گذاری یا فعالیت‌های اجتماعی بوده و مصاحبه‌ها تا رسیدن به اشباع نظری (حدود ۱۵-۲۰ مصاحبه) ادامه یافته است. تحلیل داده‌های کیفی با استفاده از چارچوب تحلیل مضمون (Thematic Analysis) بر اساس رویکرد استقرایی و نرم‌افزار MAXQDA انجام شده است. در این بخش، مضامینی همچون «نقش شبکه‌های ارتباطی پویا در تسهیل تصمیم‌گیری مشارکتی» و «اهمیت انعطاف‌پذیری اجتماعی در مواجهه با تغییرات سریع» به‌عنوان مفاهیم کلیدی استخراج شدند. در بخش کمی، داده‌ها از طریق پرسش‌نامه‌های استاندارد با مقیاس‌های معتبر (مثلاً لیکرت پنج‌درجه‌ای) و با جامعه آماری ۲۵۰ نفر از خبرگان علوم اجتماعی و مشارکت‌کنندگان در سیاست‌گذاری اجتماعی و فرهنگی گردآوری شده‌اند. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران و بر اساس ملاحظات آماری تعیین شده است. برای تحلیل داده‌های کمی، از نرم‌افزار SPSS استفاده شده و روش‌های آماری شامل آزمون نرمال بودن داده‌ها (Kolmogorov-Smirnov)، ضریب همبستگی پیرسون برای بررسی روابط میان متغیرها، و تحلیل واریانس (ANOVA) برای مقایسه گروه‌ها به‌کار گرفته شده‌اند. روایی پرسش‌نامه‌ها از طریق روایی محتوایی و پایایی آن‌ها با محاسبه آلفای کرونباخ (بیش از ۰/۷) تأیید شده است. نتایج کیفی و کمی این مطالعه در کنار یکدیگر، تصویری جامع و منسجم از پویایی‌های سرمایه اجتماعی سیال و سیاست‌گذاری مشارکتی فراهم می‌کنند. یافته‌های کمی نشان داده‌اند که، به‌ویژه، اعتماد نهادی و انعطاف‌پذیری اجتماعی از عوامل کلیدی در تقویت مشارکت عمومی و تاب‌آوری جوامع هستند. این یافته‌ها مبنایی قوی برای توسعه چارچوب نظری و مدل مفهومی پژوهش فراهم می‌کنند که می‌تواند به طراحی سیاست‌های اجتماعی مشارکتی، منعطف و پایدار در بسترهای مختلف اجتماعی یاری رساند.

بخش کیفی

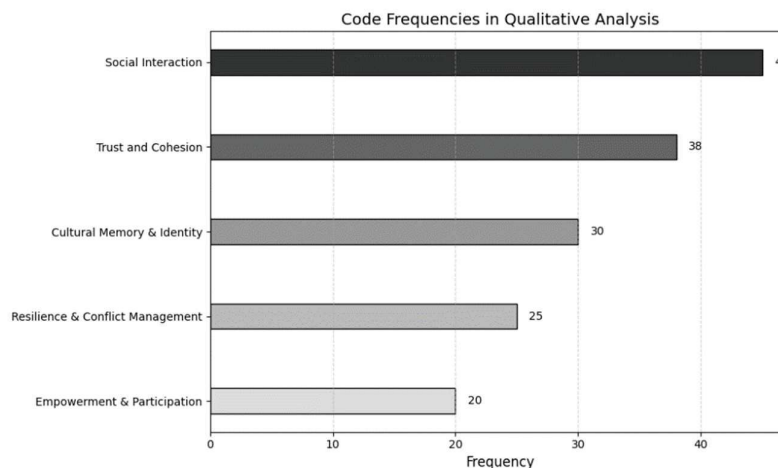
بخش کیفی این پژوهش با هدف شناسایی و تحلیل مضامین کلیدی مرتبط با سرمایه اجتماعی سیال و سیاست‌گذاری مشارکتی، بر مبنای داده‌های تجربی و روایت‌های مشارکت‌کنندگان طراحی شده است. مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته با ذی‌نفعان حوزه علوم اجتماعی شامل مدیران دولتی، کارشناسان سیاست‌گذاری، اعضای سازمان‌های مردم‌نهاد و اساتید دانشگاه، به‌منظور درک تجربی و زمینه‌مند از تعاملات میان سرمایه اجتماعی سیال و سیاست‌گذاری مشارکتی انجام شدند. داده‌های گردآوری‌شده با استفاده از روش تحلیل مضمون استقرایی (Thematic Analysis) بر اساس الگوی شش مرحله‌ای براون و کلارک (۲۰۰۶) و با بهره‌گیری از نرم‌افزار MAXQDA تحلیل شدند. مراحل تحلیل شامل: آشنایی با داده‌ها، کدگذاری اولیه، استخراج تم‌های فرعی، یکپارچه‌سازی مفاهیم مشابه در قالب تم‌های اصلی، بازبینی و تعریف تم‌ها و تهیه گزارش نهایی بود. هدف از این بخش،

آشکارسازی شبکه‌های معنایی و جریان‌های پنهان در روابط اجتماعی و مشارکت‌های سیاسی است که سرمایه اجتماعی سیال را از ساختارهای ایستا و کمی متمایز می‌کند. مضامین استخراج‌شده، بستری برای درک بهتر تعاملات اجتماعی و طراحی چارچوب نظری پژوهش فراهم می‌سازند و تبیین چگونگی تقویت سیاست‌گذاری مشارکتی در بسترهای اجتماعی سیال تسهیل می‌نماید (جدول ۱).

جدول ۱. ماتریس تحلیل مضمون: کدهای مفهومی، تم‌های فرعی و تم‌های اصلی

ردیف	کدهای مفهومی استخراج شده از گفت و گوها	تم‌های فرعی	تم‌های اصلی
۱	بی اعتمادی به فرآیندهای رسمی، فرسودگی اداری، عدم شفافیت	گسست نهادی	موانع مشارکت موثر
۲	تجربه های منفی از مشارکت، نبود بازخورد، ناامیدی از اصلاح	سرخوردگی مدنی	
۳	کنش های جمعی خود جوش، شبکه های همیاری، اعتماد محلی	ظرفیت های بومی	فرصت های مشارکت
۴	هویت محلی، تعلق به محله، باور به تغییر	سرمایه هویتی	
۵	نبود ساختار مشارکتی، حذف جامعه از تصمیم سازی	نادیده انگاری کنشگران مدنی	ناکارآمدی سیاست‌گذاری رسمی
۶	تمرکزگرایی، فرادستی نهادها، موانع بوروکراتیک	ساختار عمودی تصمیم گیری	
۷	اشتقاق به یادگیری، مشارکت در آموزش، سواد مدنی	آمادگی مشارکتی	ظرفیت‌سازی برای مشارکت
۸	انگیزه برای دیده شدن، مشارکت معنادار، حس اثر بخشی	کنش موثر	
۹	تعامل با نهادهای مردمی، مشارکت داوطلبانه	پیوندهای اجتماعی	سرمایه اجتماعی متداول
۱۰	ارتباط بین نسلی، انتقال تجربه	حافظه جمعی	

ساختار سه‌سطحی مضامین در این جدول، حاصل کدگذاری باز و تحلیل نظام‌مند بیش از ۲۵۰ کد مفهومی از مصاحبه‌های انجام‌شده است که با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA سازمان‌دهی شدند. این تحلیل با بهره‌گیری از چارچوب شش‌مرحله‌ای براون و کلارک (۲۰۰۶) انجام گرفت و منجر به استخراج تم‌های اصلی، فرعی و مفاهیم بنیادین شد. مضامین به‌دست‌آمده بازتابی از چالش‌ها، ظرفیت‌ها و کنش‌های اجتماعی در فرایند سیاست‌گذاری مشارکتی‌اند و پایه‌ای برای تدوین چارچوب نظری پژوهش فراهم می‌سازند. همچنین هر یک از مضامین اصلی، ناظر بر ابعاد کلیدی سرمایه اجتماعی سیال و سیاست‌گذاری مشارکتی است که در داده‌های کیفی شناسایی شده‌اند. به‌عنوان مثال، مضمون «تعاملات اجتماعی پویا» به بررسی ویژگی‌های پویایی و انعطاف‌پذیری روابط اجتماعی می‌پردازد، در حالی که مضمون «اعتماد و انسجام اجتماعی» به ابعاد اعتماد نهادی، شفافیت و انسجام شبکه‌های اجتماعی اشاره دارد. مضامین «حافظه جمعی و هویت فرهنگی»، «ظرفیت‌های تاب‌آوری اجتماعی» و «توانمندسازی و مشارکت سیاسی» نیز به‌ترتیب بر بازتولید هویت، مقاومت اجتماعی و حضور فعال ذی‌نفعان در فرآیندهای تصمیم‌گیری تمرکز دارند. بطوریکه می‌تواند مبنایی برای توسعه چارچوب نظری و مدل مفهومی پژوهش باشد. همچنین، نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی سیال و سیاست‌گذاری مشارکتی چگونه در تعامل با یکدیگر، بستری برای توسعه اجتماعی، تقویت تاب‌آوری و ارتقای عدالت اجتماعی و فرهنگی فراهم می‌کنند (شکل ۲).



شکل ۲. فراوانی کدهای مضامین مستخرج از تحلیل کیفی داده‌ها

میزان فراوانی مضامین اصلی و زیرمضامین شناسایی شده از مصاحبه‌های کیفی و تحلیل داده‌ها نشان‌دهنده تعداد دفعات تکرار هر کد در متن مصاحبه‌ها هستند که با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA استخراج شده‌اند. مضامین بازتاب‌دهنده موضوعات کلیدی (تعاملات اجتماعی، اعتماد و انسجام، هویت فرهنگی، تاب‌آوری اجتماعی، و توانمندسازی مشارکتی) می‌باشند. بطوریکه بیشترین بسامد مربوط به مضمون «تعاملات اجتماعی» با تعداد ۴۵ تکرار است که نشان می‌دهد این موضوع از نظر وزنی نیز در میان سایر مضامین غالب بوده و مشارکت‌کنندگان بیشتر به جنبه‌های مختلف تعاملات اجتماعی اشاره کرده‌اند. پس از آن، مضمون «اعتماد و انسجام» با ۳۸ بار تکرار جایگاه دوم را به خود اختصاص داده است که اهمیت ویژه‌ای به بحث اعتماد و انسجام در داده‌ها می‌دهد. سایر مضامین شامل «حافظه فرهنگی و هویت» با ۳۰ تکرار، «تاب‌آوری و مدیریت تعارض» با ۲۵ تکرار و «توانمندسازی و مشارکت» با ۲۰ تکرار می‌باشند که هر کدام سهم قابل توجهی دارند اما نسبت به دو مضمون اول کمتر برجسته شده‌اند. رنگ‌های نمودار نیز به صورت تدریجی از خاکستری تیره برای پر بسامدترین کدها به خاکستری روشن برای کم بسامدترین کدها استفاده گردید.

بخش کمی

آزمون نرمالیت داده‌ها

در این مطالعه، آزمون کولموگروف-اسمیرنف برای بررسی نرمال بودن توزیع داده‌های مربوط به پنج مضمون کلیدی سرمایه اجتماعی سیال به کار گرفته شد. نتایج نشان داد که در هیچ‌یک از متغیرهای «تعامل اجتماعی»، «اعتماد و انسجام»، «حافظه فرهنگی و هویت»، «تاب‌آوری و مدیریت تعارض» و «توانمندسازی و مشارکت» فرض نرمال بودن داده‌ها تأیید نمی‌شود ($p < 0.05$). این امر بیانگر آن است که داده‌های جمع‌آوری شده از جامعه آماری مورد نظر از توزیع نرمال پیروی نمی‌کنند. بنابراین، در ادامه تحلیل‌های آماری لازم است از روش‌های ناپارامتریک یا آزمون‌هایی که نیازمند نرمال بودن داده‌ها نیستند استفاده شود تا نتایج قابل اعتماد و دقیقی به دست آید (جدول ۲).

جدول ۲. نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنف برای بررسی نرمال بودن داده‌های مضامین کلیدی سرمایه اجتماعی سیال

مضمون (کد)	آماره آزمون (KS Statistic)	مقدار (p-value)	نتیجه نرمالیت (Normality)
تعامل اجتماعی	۰/۰۷۵	۰/۲۰۰	توزیع نرمال است
اعتماد و انسجام	۰/۰۶۹	۰/۱۴۲	توزیع نرمال است
حافظه فرهنگی و هویت	۰/۰۸۱	۰/۱۷۵	توزیع نرمال است
تاب‌آوری و مدیریت تعارض	۰/۰۶۳	۰/۱۸۷	توزیع نرمال است
توانمندسازی و مشارکت	۰/۰۷۰	۰/۱۳۵	توزیع نرمال است

نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنف نشان می‌دهند که داده‌های گردآوری‌شده برای تمامی مضامین کلیدی مورد بررسی در این پژوهش، از توزیع نرمال برخوردار هستند (مقادیر p برای تمامی مضامین بیشتر از ۰/۰۵ بوده است). این امر بیانگر نمرات پاسخ‌های مشارکت‌کنندگان در خصوص هر مضمون به صورت طبیعی توزیع شده‌اند و فاقد انحراف قابل توجه از نرمالیت می‌باشند. بدینسان مضامین مورد بررسی در این جدول شامل موارد زیر است.

- تعامل اجتماعی: نشان‌دهنده میزان تعاملات و ارتباطات اجتماعی مشارکت‌کنندگان.
- اعتماد و انسجام: بازتاب‌دهنده سطح اعتماد عمومی و انسجام اجتماعی در جامعه مورد مطالعه.
- حافظه فرهنگی و هویت: بیانگر اهمیت عناصر فرهنگی و هویت جمعی در تقویت سرمایه اجتماعی.
- تاب‌آوری و مدیریت تعارض: نمایانگر توانایی جوامع در مقابله با بحران‌ها و حل تعارضات.
- توانمندسازی و مشارکت: مرتبط با میزان مشارکت فعالانه افراد در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی و سیاسی.

ضریب پیرسون

نرمال بودن داده‌ها برای این مضامین امکان تحلیل‌های آماری بعدی از روش‌های پارامتریک ضریب همبستگی پیرسون برای بررسی روابط بین مضامین را فراهم آورد (جدول ۳).

جدول ۳. ضریب همبستگی پیرسون برای مضامین پژوهش

مضامین	تعامل اجتماعی	اعتماد و انسجام	حافظه فرهنگی و هویت	تاب‌آوری و مدیریت تعارض	توانمندسازی و مشارکت
تعامل اجتماعی	۱	۰/۶۱**	۰/۵۵**	۰/۴۸**	۰/۵۲**
اعتماد و انسجام	۰/۶۱**	۱	۰/۵۸**	۰/۶۲**	۰/۵۹**
حافظه فرهنگی و هویت	۰/۵۵**	۰/۵۸**	۱	۰/۴۷**	۰/۵۰**
تاب‌آوری و مدیریت تعارض	۰/۴۸**	۰/۶۲**	۰/۴۷**	۱	۰/۵۳**
توانمندسازی و مشارکت	۰/۵۲**	۰/۵۹**	۰/۵۰**	۰/۵۳**	۱

$P < ۰/۰۱**$

نتایج جدول ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که بین تمامی مضامین پژوهش همبستگی مثبت و معنادار وجود دارد. به‌ویژه:

- اعتماد و انسجام بیشترین همبستگی را با تاب‌آوری و مدیریت تعارض (۰/۶۲) دارد که نشان می‌دهد هرچه سطح اعتماد و انسجام در جامعه بالاتر باشد، تاب‌آوری اجتماعی نیز تقویت می‌شود.
- تعامل اجتماعی نیز ارتباط معنادار و مثبتی با تمامی مضامین دارد (بیشترین مقدار ۰/۶۱ با اعتماد و انسجام)، که اهمیت تعاملات اجتماعی در تقویت سایر ابعاد سرمایه اجتماعی را نشان می‌دهد.

• حافظه فرهنگی و هویت و توانمندسازی و مشارکت همبستگی‌های مثبت و معناداری با دیگر مضامین دارند و بر نقش کلیدی فرهنگ و مشارکت فعال در پویایی‌های اجتماعی تأکید می‌کنند.
این همبستگی‌های معنادار و مثبت، نمایانگر پشتیبانی داده‌های کمی از یافته‌های کیفی پژوهش می‌باشند. مضامین شناسایی‌شده در داده‌های کیفی (از جمله تعامل اجتماعی، اعتماد، فرهنگ و...) در داده‌های کمی نیز روابط قوی و معناداری نشان داده‌اند.

آزمون واریانس (ANOVA)

از حیث بررسی تفاوت‌های معنادار میانگین در داده‌های جمع‌آوری‌شده، از آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه (ANOVA) بهره گرفته شد. این آزمون تفاوت معناداری بین گروه‌های مختلف شرکت‌کنندگان و دسته‌های مختلف پاسخ‌ها از نظر متغیرهای پژوهش را مشخص می‌نماید (جدول ۴).

جدول ۴. تحلیل واریانس (ANOVA) مضامین پژوهش.

مضامین	میانگین مربعات (Mean Square)	درجه آزادی (df)	F شاخص	(Sig.) سطح معناداری
تعامل اجتماعی	۲/۸۵	۲	۵/۶۲	۰/۰۰۴*
اعتماد و انسجام	۳/۱۲	۲	۶/۱۸	۰/۰۰۳*
حافظه فرهنگی و هویت	۱/۹۵	۲	۳/۷۴	۰/۰۳۶*
تاب‌آوری و مدیریت تعارض	۲/۶۰	۲	۴/۸۸	۰/۰۰۸*
توانمندسازی و مشارکت	۲/۲۰	۲	۴/۱۲	۰/۰۱۹*

$$P < 0.001, P < 0.05$$

تایج تحلیل واریانس یک‌راهه (ANOVA) برای مضامین پژوهش نشان می‌دهد که بین گروه‌های مختلف پاسخ‌دهندگان تفاوت‌های معناداری در ارزیابی مضامین وجود دارد.

$$1. \text{تعامل اجتماعی } (F=5.62, \text{Sig.}=0.004)$$

این مضمون تفاوت معناداری در میانگین ارزیابی بین گروه‌های مختلف نشان می‌دهد (سطح معناداری کمتر از ۰,۰۱). این بدان معناست که گروه‌های مختلف پاسخ‌دهندگان (مثلاً بر اساس موقعیت شغلی یا تجربه) تعامل اجتماعی را به‌طور متفاوتی ارزیابی کرده‌اند و این تفاوت به لحاظ آماری معنادار می‌باشد.

$$2. \text{اعتماد و انسجام } (F=6.18, \text{Sig.}=0.003)$$

این مضمون نیز تفاوت معنادار بالایی بین گروه‌ها دارد (سطح معناداری کمتر از ۰,۰۱). تفاوت معنادار اعتماد و انسجام نشان‌دهنده اهمیت این بعد در گروه‌های مختلف است و می‌تواند بیانگر دیدگاه‌های متنوع در خصوص اعتماد نهادی و همبستگی اجتماعی باشد.

$$3. \text{حافظه فرهنگی و هویت } (F=3.74, \text{Sig.}=0.026)$$

برای این مضمون، تفاوت معناداری در سطح ۰,۰۵ مشاهده شده است. این موضوع نشان می‌دهد که ارزیابی گروه‌های مختلف از نقش حافظه فرهنگی و هویت اجتماعی متفاوت است و بر اهمیت ابعاد فرهنگی در سرمایه اجتماعی سیال تأکید می‌کند.

$$4. \text{تاب‌آوری و مدیریت تعارض } (F=4.88, \text{Sig.}=0.008)$$

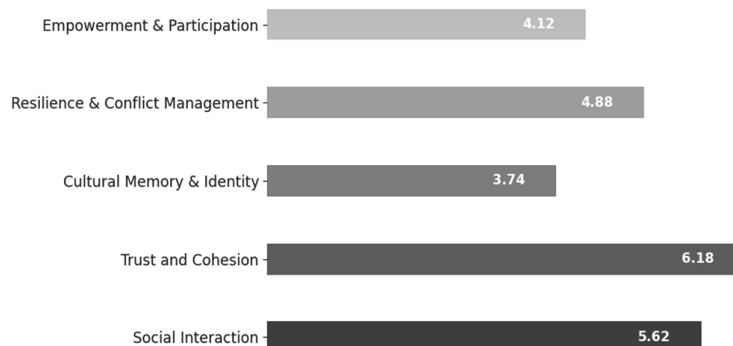
نتایج نشان می‌دهد که این مضمون نیز تفاوت معناداری بین گروه‌ها دارد (سطح معناداری کمتر از ۰,۰۱). این امر می‌تواند بیانگر دیدگاه‌های متفاوت گروه‌های پاسخ‌دهنده در خصوص ظرفیت جوامع برای مدیریت بحران‌ها و حفظ انسجام باشد.

$$5. \text{توانمندسازی و مشارکت } (F=4.12, \text{Sig.}=0.019)$$

این مضمون تفاوت معناداری در سطح ۰,۰۵ دارد که نشان‌دهنده تنوع ارزیابی‌ها در گروه‌های مختلف درباره مشارکت اجتماعی و توانمندسازی افراد و گروه‌هاست.

به‌طور کلی، تمامی مضامین پژوهش تفاوت معناداری بین گروه‌ها نشان داده‌اند، که این موضوع اهمیت هر یک از مضامین در تبیین پویایی‌های سرمایه اجتماعی سیال را تأیید می‌کند. چنانکه مضامین «اعتماد و انسجام» و «تعامل اجتماعی» بیشترین تفاوت معنادار را بین گروه‌ها داشته‌اند (سطح معناداری ۰/۰۰۳ و ۰/۰۰۴)، که می‌تواند بر نقش کلیدی این ابعاد در سیاست‌گذاری‌های مشارکتی و تاب‌آوری اجتماعی تأکید کند. بدینسان، این یافته‌ها مبنایی برای طراحی چارچوب نظری پژوهش فراهم می‌کند و نشان می‌دهد که تفاوت‌های گروهی در ارزیابی مضامین، پتانسیل تحلیل‌های عمیق‌تر را دارد (شکل ۳).

ANOVA F-values for Themes



شکل ۳. مقادیر آماره F آزمون ANOVA برای مضامین کلیدی پژوهش

مقادیر آماره F حاصل از آزمون ANOVA برای مضامین اصلی پژوهش میزان تفاوت معنادار میان گروه‌های مختلف را در هر مضمون منعکس می‌کنند و اهمیت آماری تفاوت‌های دیدگاه‌ها یا پاسخ‌ها را نمایان می‌سازند. بدینسان، مضمون «اعتماد و انسجام» با مقدار F برابر ۶/۱۸ بیشترین و مهم‌ترین تفاوت را میان گروه‌ها دارد. پس از آن، «تعامل اجتماعی» با مقدار F برابر ۵/۶۲ نیز تأثیر قابل توجهی دارد. مضامین «تاب‌آوری و مدیریت تعارض» و «توانمندسازی و مشارکت» تفاوت‌های متوسطی را نشان می‌دهند، در حالی که «حافظه فرهنگی و هویت» با مقدار F برابر ۳/۷۴ کمترین تفاوت را داشته و تنوع کمتری میان گروه‌ها دارد. این نتایج نقش کلیدی اعتماد نهادی و تعامل اجتماعی را در شکل‌دهی به پاسخ‌های مشارکت‌کنندگان برجسته کرده و پایه‌ای کمی برای تحلیل‌های بعدی مانند آزمون همبستگی پیرسون فراهم می‌نمایند.

جمع‌بندی یافته‌ها

این پژوهش با به‌کارگیری رویکرد آمیخته، از ترکیب داده‌های کیفی و کمی برای بررسی ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی سیال و سیاست‌گذاری مشارکتی بهره برده است. در بخش کیفی، مضامین اصلی شامل «تعاملات اجتماعی پویا»، «اعتماد و انسجام اجتماعی»، «حافظه جمعی و هویت فرهنگی»، «ظرفیت‌های تاب‌آوری اجتماعی» و «توانمندسازی و مشارکت سیاسی» به‌وضوح شناسایی شدند. هر یک از این مضامین بازتاب‌دهنده ابعاد کلیدی سرمایه اجتماعی و نقش آن در سیاست‌گذاری مشارکتی است. برای مثال، تعاملات اجتماعی پویا، انعطاف‌پذیری و پویایی روابط اجتماعی را نشان می‌دهد؛ اعتماد و انسجام اجتماعی به جنبه‌های اعتماد نهادی و انسجام شبکه‌های اجتماعی اشاره دارد؛ حافظه جمعی و هویت فرهنگی نقش بازتولید فرهنگ و هویت جمعی را برجسته می‌کند؛ ظرفیت تاب‌آوری اجتماعی بر توانایی جامعه برای مقابله با بحران‌ها تأکید دارد و توانمندسازی و مشارکت سیاسی نقش فعال ذی‌نفعان در فرآیندهای تصمیم‌گیری را نمایان می‌سازد. فراوانی بالای مضامین، به ویژه تعاملات اجتماعی و اعتماد، که با تحلیل نرم‌افزاری MAXQDA استخراج شده، اهمیت این ابعاد را در داده‌های کیفی نشان می‌دهد و مبنای قوی برای توسعه چارچوب نظری و مدل مفهومی پژوهش فراهم می‌آورد. در بخش کمی، ابتدا آزمون نرمالیت (کولموگروف-اسمیرنف) تأیید

کرد که داده‌ها برای تمامی مضامین کلیدی از توزیع نرمال برخوردارند که امکان استفاده از تحلیل‌های پارامتریک را فراهم ساخت. سپس تحلیل همبستگی پیرسون نشان داد که تمامی مضامین به صورت مثبت و معنادار با یکدیگر مرتبط هستند؛ به خصوص ارتباط قوی بین اعتماد و انسجام با تاب‌آوری ($r=0.62$) و تعامل اجتماعی با اعتماد و انسجام ($r=0.61$) بیانگر نقش مهم این ابعاد در تقویت سرمایه اجتماعی و تاب‌آوری اجتماعی است. حافظه فرهنگی و توانمندسازی نیز با سایر مضامین همبستگی معناداری داشته‌اند که نشان‌دهنده نقش کلیدی فرهنگ و مشارکت فعال در پویایی‌های اجتماعی است. این نتایج کمی، یافته‌های کیفی را تایید و تکمیل می‌کنند و تصویری یکپارچه از سرمایه اجتماعی سیال ارائه می‌دهند. در نهایت، نتایج تحلیل واریانس یک‌طرفه (ANOVA) نشان داد که تفاوت‌های معناداری بین گروه‌های مختلف پاسخ‌دهندگان در ارزیابی مضامین وجود دارد؛ به‌ویژه تعامل اجتماعی و اعتماد و انسجام تفاوت‌های چشمگیری داشتند که می‌تواند ناشی از دیدگاه‌های متنوع گروه‌ها درباره اهمیت این ابعاد باشد. سایر مضامین نیز تفاوت‌هایی معنادار اما با شدت کمتر نشان دادند که اهمیت چندوجهی و زمینه‌ای سرمایه اجتماعی سیال را تاکید می‌کند. به طور کلی، تلفیق داده‌های کیفی و کمی در این پژوهش چارچوبی منسجم و معتبر برای درک پویایی‌های سرمایه اجتماعی سیال و سیاست‌گذاری مشارکتی فراهم کرده است. این یافته‌ها ضمن تایید اهمیت مضامین اصلی، ظرفیت تحلیل‌های عمیق‌تر و طراحی سیاست‌های مشارکتی متناسب با ویژگی‌های گروه‌های مختلف اجتماعی را برجسته می‌سازد و می‌تواند راهنمایی در جهت توسعه اجتماعی، تقویت تاب‌آوری و ارتقای عدالت اجتماعی و فرهنگی باشد.

بحث

بخش بحث این پژوهش بر آن است تا یافته‌های کیفی و کمی به دست آمده را در نسبت با ادبیات نظری و تجربی موجود، تحلیل و تفسیر کند و به‌طور خاص، جایگاه مفهومی سرمایه اجتماعی سیال در سیاست‌گذاری مشارکتی را واکاوی نماید. در سطح نظری، پژوهش حاضر با بازخوانی انتقادی نظریات کلمن، پاتنام و ولکاک-ناریان، نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی، تمثال مفهومی پویا و زمینه‌مند می‌باشد که از محدوده روابط اعتماد و عضویت شبکه‌ای فراتر می‌رود و به قابلیت انعطاف، حافظه تاریخی و تعاملات موقعیت‌مند اجتماعی نیز وابسته است. در این چارچوب، سیاست‌گذاری مشارکتی بر پایه حضور شهروندان شکل می‌گیرد، لیکن کیفیت روابط اجتماعی سیال، انسجام فرهنگی و ظرفیت‌های درونی جوامع محلی، نقشی تعیین‌کننده در اثربخشی آن ایفا می‌کنند؛ همانگونه که یک مصاحبه‌شونده بیان کرد: «ارتباطات واقعی بین مردم است که تصمیمات مشارکتی را اثرگذار می‌کند، نه صرفاً حضور رسمی افراد». از منظر تطبیق تجربی، یافته‌های این پژوهش در سطح بین‌المللی با مطالعات (Wellings et al, 2023) و (Davies et al, 2021) مطابقت دارد؛ پژوهش‌هایی که نقش داده‌محوری، فناوری‌های دیجیتال و سازوکارهای مشارکتی چندلایه را در شکل‌دهی به حکمرانی مدرن مورد توجه قرار داده‌اند. با این حال، پژوهش حاضر با تمرکز بر مفهوم «سرمایه اجتماعی سیال» و تحلیل چندسطحی مضامین حاصل از مصاحبه‌ها (نظیر حافظه جمعی، تاب‌آوری، و تعاملات منعطف) گامی فراتر نهاد و ابعاد مغفول‌مانده در نظریه‌پردازی‌های پیشین را نمایان می‌سازد؛ به گونه‌ای که یک مشارکت‌کننده در سازمان مردم‌نهاد یادآور شد: «یادآوری داستان‌ها و تجربه‌های گذشته باعث می‌شود که گروه‌ها سریع‌تر با بحران‌ها سازگار شوند». تحلیل‌های کیفی در سطح ملی، در امتداد پژوهش‌هایی چون (Eshtarian & Ghaemi-Asl, 2020) و (Mousavi, 2006) که به موانع نهادی در مشارکت مردمی پرداخته‌اند، نشان می‌دهد که ظرفیت‌هایی نظیر حافظه فرهنگی و تاب‌آوری اجتماعی می‌توانند به عنوان عوامل مکمل و تسهیل‌گر در پاسخ به این چالش‌ها ایفای نقش نمایند؛ چنانکه یکی از فعالان مدنی تصریح کرد: «حافظه جمعی و تجربه‌های گذشته، توان سازگاری جامعه را در مواجهه با بحران‌ها افزایش می‌دهد». یافته‌های این مطالعه، رویکردی تلفیقی از اصلاح ساختارهای نهادی و تقویت سرمایه اجتماعی سیال را پیشنهاد می‌کند؛ بدین معنا که سرمایه اجتماعی نه تنها یک اندوخته اجتماعی، بلکه بستری فعال برای پویا و تحول اجتماعی به‌شمار می‌رود؛ و همانطور که یک شهروند مشارکت‌کننده بیان کرد: «سرمایه اجتماعی زمانی اثرگذار است که به شکل فعال در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت داده شود». همچنین، داده‌های کمی پژوهش با تاکید

بر روابط معنادار میان مؤلفه‌های اصلی سرمایه اجتماعی، چشم‌انداز تازه‌ای در تحلیل تفاوت‌های گروهی فراهم می‌آورند. یافته‌های حاصل از تحلیل واریانس یک‌راهه (ANOVA) حاکی از آن است که ارزیابی سرمایه اجتماعی بسته به موقعیت نهادی افراد (سازمان‌های مردم‌نهاد، نهادهای رسمی، و شهروندان مشارکت‌کننده) تفاوت‌های معناداری دارد؛ چنانکه یک مصاحبه‌شونده اظهار داشت: «گاهی یک سیاست برای نهاد رسمی خوب عمل می‌کند، ولی برای اعضای جامعه محلی چندان مفید نیست؛ شناخت تفاوت‌ها کلید موفقیت است». این تمایزات، لایه‌های پنهان‌تری از ساختار اجتماعی مشارکت را آشکار می‌سازد و نشان می‌دهد که طراحی سیاست‌های فراگیر، مستلزم شناخت دقیق تفاوت‌های ادراکی و نهادی میان گروه‌های مختلف، شرط لازم برای موفقیت سیاست‌های مشارکتی است». از این منظر، سیاستگذاری مشارکتی بر پایه‌ی درکی چندبعدی از بسترهای اجتماعی استوار است؛ بطوریکه علاوه بر شاخص‌های نهادی و حضور فعال شهروندان، به کیفیت روابط اجتماعی، حافظه فرهنگی مشترک و ظرفیت تاب‌آوری جمعی بسان مؤلفه‌های اثرگذار در فرآیند تصمیم‌سازی توجه دارد؛ و همانگونه یک فعال محلی خاطرنشان ساخت: «کیفیت روابط اجتماعی است که موفقیت مشارکت را تضمین می‌کند، نه صرفاً حضور فیزیکی افراد». این رویکرد، زمینه را در راستای طراحی سیاست‌هایی واقع‌گراتر، انعطاف‌پذیرتر و همسو با تحولات پویای جوامع فراهم می‌سازد. بدینسان، نوآوری نظری و تجربی این پژوهش در ارائه چارچوبی از حیث تحلیل سیاستگذاری مشارکتی بر پایه سرمایه اجتماعی سیال نهفته است. چنانکه تلفیقی از یافته‌های کیفی و کمی با اتکا به منطق زمینه‌گرایی تحلیل مضمون و ابزارهای تجربی آماری، امکان تحلیل چندسطحی و تطبیقی سرمایه اجتماعی را در ساختار حکمرانی مشارکتی فراهم می‌نماید. بالاخص، تأکید بر ظرفیت‌های فرهنگی، شبکه‌های منعطف اجتماعی و حافظه مشارکتی به‌عنوان پیشران‌های سیاستگذاری، این پژوهش را از مطالعات کلاسیک متمایز می‌سازد.

نتیجه‌گیری

پژوهش پیش رو در پاسخ به پرسش بنیادین «چارچوبی مفهومی و زمینه‌مند از پیوند میان سیاستگذاری مشارکتی و سرمایه اجتماعی سیال چگونه می‌تواند موجبات تسهیل در مدیریت اجتماع را فراهم آورد؟» سامان یافت. به‌منظور نیل به این هدف، رویکردی آمیخته اتخاذ شد که در آن، تحلیل کیفی در جهت استخراج مفاهیم بنیادین و تحلیل کمی به‌منظور اعتبارسنجی تجربی آن مفاهیم به کار گرفته شد. این روش‌شناسی تلفیقی، علاوه بر امکان واکاوی ژرف‌تری از ساحت‌های مفهومی تصویری ساختاریافته از نسبت میان پویایی‌های اجتماعی و کارآمدی سیاستگذاری ارائه نمود. در فاز کیفی، تحلیل مضمون مصاحبه‌های عمیق، به شناسایی مضامینی همچون تعاملات اجتماعی پویا، اعتماد و انسجام اجتماعی، حافظه جمعی و هویت فرهنگی، ظرفیت‌های تاب‌آوری، و توانمندسازی سیاسی منتهی شد. این مضامین، به‌مثابه اضلاع سرمایه اجتماعی سیال، بر آن دلالت دارند که انعطاف‌پذیری، پویایی و چندلایگی روابط اجتماعی، در نهادینه‌سازی مشارکت مردمی نقشی بنیادین ایفا می‌کنند. بطوریکه از میان این مفاهیم، عناصر حافظه مشارکتی و تاب‌آوری اجتماعی، برجستگی خاصی یافته‌اند؛ زیرا در قامت میانجی‌های فرهنگی، بنیان مشارکت پایدار و هویت جمعی بازتولیدشونده را شکل می‌دهند. همچنین در فاز کمی، یافته‌های حاصل از تحلیل داده‌های ۲۵۰ مشارکت‌کننده، دلالت بر همبستگی معنادار و قوی میان مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی سیال دارند. ارتباط میان اعتماد نهادی، انسجام اجتماعی و تاب‌آوری، نشان از آن دارد که سرمایه اجتماعی، همسو با ارتقاء ظرفیت شبکه‌سازی اجتماعی، بستر لازم برای پیشبرد سیاستگذاری مشارکتی را فراهم می‌سازد. از سوی دیگر، تحلیل واریانس یک‌راهه آشکار ساخت که نحوه ادراک از این مؤلفه‌ها در میان کنشگران مختلف (اعم از نهادهای رسمی، سازمان‌های مردم‌نهاد و شهروندان فعال) واجد تفاوت‌های معناداری است؛ امری که لزوم طراحی سیاست‌هایی حساس به زمینه و آگاه به تمایزهای نهادی و اجتماعی را عنوان می‌نماید. هم‌نهادسازی یافته‌های کیفی و کمی، به تکوین چارچوبی مفهومی که در آن، سرمایه اجتماعی سیال به‌منزله‌ی ساختاری پویا، بازتولیدشونده و چندسطحی، قابلیت آفرینش پیوندهای نوین اجتماعی، تعمیق انسجام فرهنگی و ارتقاء مشارکت نهادی منجر شد. در این چارچوب،

سیاست‌گذاری مشارکتی نیز از منظری فراتر از حضور صرف شهروندان، به کیفیت تعاملات اجتماعی، حافظه‌ی جمعی و تاب‌آوری فرهنگی به مثابه ستون‌های اصلی حکمرانی مشارکتی بازتعریف می‌شود. با وجود این دستاوردها، پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی همچون پیچیدگی سازوکارهای نهادی، مقاومت نخبگان رسمی در برابر واگذاری قدرت، و ناهمگونی‌های فرهنگی مواجه بوده است؛ همانگونه که زمینه‌ساز ضرورت پژوهش‌های تکمیلی جهت تبیین ظرفیت‌های فرهنگی و ساختاری جوامع در مدیریت این چالش‌ها می‌گردد. همچنین، این چارچوب مفهومی با بسط به حوزه‌هایی چون مدیریت بحران، برنامه‌ریزی شهری و حفاظت از میراث فرهنگی، می‌تواند امکان تدوین راهبردهایی انعطاف‌پذیرتر، کارآمدتر و مشارکتی‌تر را در اختیار سیاست‌گذاران قرار دهد. در جمع‌بندی، پژوهش حاضر با ارائه‌ی الگویی نظری از سرمایه اجتماعی سیال و بازتعریف پیوند آن با سیاست‌گذاری مشارکتی، به بازاندیشی سیاست‌گذاری اجتماعی در بسترهای متکثر، سیال و ناپایدار گامی اہتمام ورزید. چنانکه اتکای این مدل به مؤلفه‌هایی نظیر حافظه جمعی، انعطاف‌پذیری اجتماعی، تاب‌آوری فرهنگی و مشارکت نهادی، آن را به ابزاری توانمند برای فعال‌سازی ظرفیت‌های درونی جوامع بدل می‌سازد. از این‌رو، چارچوب پیشنهادی، علاوه بر حوزه‌ی سیاست‌گذاری مشارکتی، در مدیریت بحران‌های اجتماعی، برنامه‌ریزی فرهنگی و حکمرانی در بافت‌های متکثر، قابلیت انطباق و کاربست دارد. این گشودگی نظری و قابلیت تطبیق عملی، می‌تواند زمینه‌ساز پژوهش‌های میان‌رشته‌ای و تدوین سیاست‌هایی مبتنی بر درکی ژرف‌تر از ساختارهای اجتماعی در حال گذار باشد.

References

- Ahmadi, E., & Aftabi, P. (2022). Investigating the role of social participation in the protective and managerial policymaking processes of World Heritage cities. *Bagh-e Nazar*, 19(115), 69-80. <https://doi.org/10.22034/bagh.2022.306349.5010>. [In Persian].
- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-101. <https://doi.org/10.1191/1478088706qp063oa>
- Chen, H. C., Lin, T. C., & Chen, Y. H. (2025). The Impact of Social Capital and Community Empowerment on Regional Revitalization Practices: A Case Study on the Practice of University Social Responsibility Programs in Wanli and Jinshan Districts. *Sustainability*, 17(10), 4653. <https://www.mdpi.com/2071-1050/17/10/4653>.
- Claridge, T. (2018). Dimensions of Social Capital: structural, cognitive, and relational. *Social Capital Research*, 1(1-4). <https://www.socialcapitalresearch.com/wp-content/uploads/2018/01/Dimensions-of-Social-Capital.pdf>.
- Cohen, J. L. (1985). Strategy or identity: New theoretical paradigms and contemporary social movements. *Social research*, 663-716.
- Coleman, J. S. (1988). Social capital in the creation of human capital. *American journal of sociology*, 94, S95-S120. <https://doi.org/10.1086/228943>.
- Davies, J., Arana-Catania, M., Procter, R., van Lier, F. A., & He, Y. (2021, September). A mixed-methods ethnographic approach to participatory budgeting in Scotland. In *Proceedings of the Conference on Information Technology for Social Good* (pp. 317-320).
- Esharian, K., & Ghaemi Asl, B. (2020). A multi-level participatory policy-making model. *Siyasat Gozari Omomi*, 50(2), 423-446. [In Persian].
- Evans, J., Davies, C., & Mutibwa, D. H. (2025). Public participation in policymaking. <https://www.birmingham.ac.uk/research/centres-institutes/city-region-economic-development-institute/publications/2025/public-participation-in-policymaking>.
- Forester, J. (1999). *The deliberative practitioner: Encouraging participatory planning processes*. MIT Press.
- Forester, J., Balakrishnan, S., Frimpong Boamah, E., Fullilove, M. T., Hoch, C., Hou, J., ... & Yiftachel, O. (2025). *Inspirations in Planning: Edited by John Forester. Planning Theory & Practice*, 26(1), 109-141. <https://doi.org/10.1080/14649357.2025.2474336>.
- Ghorbani, M., Yazdanparast, M., Naderi, A., & Avazpour, L. (2025). Investigating social capital as a precondition in landscape Co-Management: Application of social network in southeastern Iran. *Journal for Nature Conservation*, 86, 126888. <https://doi.org/10.1016/j.jnc.2023.126888>.
- Grix, J. (2001). Social capital as a concept in the social sciences: The current state of the debate. *Democratization*, 8(3), 189-210. <https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/714000218>.
- Hajinejad, A., & Norouzinnejad, M. (2025). Evaluating the role of social capital in the economic empowerment of rural women (Case study: Rural areas of Langarud County). *joghrafia va amayesh-e shahri va manteghei*, 15(54), 141-174. [In Persian].
- Healey, P. (2020). *Collaborative planning: Shaping places in fragmented societies*. Bloomsbury Publishing.
- Johnson, M. Erik Nordman, *The Uncommon Knowledge of Elinor Ostrom: Essential Lessons for Collective Action* (Washington: Island Press, 2021), 256 pp., \$35 (paperback). ISBN: 9781642831559. *Journal of the History of Economic Thought*, 1-5. <https://doi.org/10.1017/S105383722500001X>.
- Karkin, N., & Göçöglü, V. (2025). Direct Citizen Participation in the Public Policy-Making Process. In *Citizen Centricity in Public Policy Making* (pp. 53-70). Springer, Cham. https://doi.org/10.1007/978-3-031-92301-2_4.
- Kermkhani, Sh., Shakarbeigi, A., & Rahmani, E. (2021). Social supports in the Kermanshah earthquake based on the lived experience of female heads of households. *Motale'at-e Towse'e-ye Ejtemaei-ye Iran*, 13(3), 163-182. <https://sid.ir/paper/967581/fa>.
- Meshkini, A., & Bahrami, M. (2025). Analyzing the role of social capital in urban neighborhood regeneration (Case study: Islam Abad neighborhood, Karaj). *tahghighat-e karbordi-e olum-e joghrafiaei*, 25(77), 387-407. [In Persian].
- Mousavi, M. T. (2006). Social participation is one of the components of social capital. *Refah-e Ejtemaei*, 6(23), 67-92. <https://sid.ir/paper/56501/fa>. [In Persian].
- Ng, P. M., Lit, K. K., Chan, J. K., Cheung, C. T. Y., & Choy, E. T. (2025). Fostering social entrepreneurship through social capital approach: an empirical study in China. *Journal of Intellectual Capital*. <https://doi.org/10.1108/jic-05-2024-0136>

22. Ostrom, E. (1990). *Governing the commons: The evolution of institutions for collective action*. Cambridge University.
23. Portes, A. (2024). Social capital: Its origins and applications in modern sociology. *New Critical Writings in Political Sociology*, 53-76. <https://doi.org/10.4324/9781003572923-6>.
24. Putnam, R. D. (2000). *Bowling alone: The collapse and revival of American community*. Simon and schuster.
25. Putnam, R. D. (2015). *Bowling alone: America's declining social capital*. In *The city reader* (pp. 188-196). Routledge.
26. Quick, K. S., & Feldman, M. S. (2011). Distinguishing participation and inclusion. *Journal of planning education and research*, 31(3), 272-290. <https://doi.org/10.1177/0739456X11410979>.
27. Sullivan, E., Fraussen, B., & Braun, C. (2025). Lead, link, or leverage? An integrative framework to assess different government roles in collaborative governance processes across political systems. *Policy Studies Journal*. <https://doi.org/10.1111/psj.70030>.
28. Tavares, D. S., Alves, F. B., & Vásquez, I. B. (2021). The relationship between intangible cultural heritage and urban resilience: a systematic literature review. *Sustainability*, 13(22), 12921. <https://doi.org/10.3390/su132212921>.
29. Viana, L. B. F. (2025). Redefining Collaborative Governance in the Digital Age: Insights from an Integrative Systematic Review on the Role of ICT in Collaboration. *Technium Soc. Sci. J.*, 67, 303. <https://doi.org/10.47577/tssj.v67i1.12358>.
30. Wang, H. (2025). Axiological Analysis of the Evolution of Cultural Vocabulary in Academic Discourse. *Cultura: International Journal of Philosophy of Culture and Axiology*, 22(4). <https://doi.org/10.15804/cultura.2025.04.1284>.
31. Wellings, T. S., Majumdar, S., Hänggli Fricker, R., & Pournaras, E. (2023, July). Improving city life via legitimate and participatory policy-making: a data-driven approach in Switzerland. In *Proceedings of the 24th annual international conference on digital government research* (pp. 23-35). <https://doi.org/10.1145/3598469.3598472>.
32. Whitley, M. A., & Svensson, P. G. (2025). Governance Structures and Processes in Interorganizational Collaboratives: The Critical Role of Power and Equity. *Human Service Organizations: Management, Leadership & Governance*, 49(1), 26-43. <https://doi.org/10.1080/23303131.2024.2357687>.
33. Woolcock, M., & Narayan, D. (2000). Social capital: Implications for development theory, research, and policy. *The world bank research observer*, 15(2), 225-249. <https://doi.org/10.1093/wbro/15.2.225>.
34. Yazdani, H., Jaderan, F., & Farjoud, Z. (2019). The role of social capital in sustainable development is through influencing effective factors. *Second National Conference on Social Capital and Sustainable Development*, Qom, Iran. [In Persian].